

اعتقاد به منجی آخرالزمان در دین هندو و بودا و زرتشت

نویسنده: علی اصغر سیفی^۱

چکیده:

اعتقاد به منجی (فتوریسم) در دوره آخرالزمان و انتظار آن موضوعی است که در ادیان مختلف جهان از جمله در زرتشت، هندو و بودا مورد قبول واقع شده است.

در هر آیین به صورت رمز به حقایقی اشاره شده که با معتقدات آیینهای دیگری توافقی و هماهنگی دارد.

در آیین زرتشتی اعتقاد به موعود نهایی و منجی آخرالزمان از عقاید رایج و استوار است و در متون مقدس زرتشتی (اوستا و کتاب روایی پهلوی) افزون بر بشارت و اشارت به ظهور رهاننده عدالت گستر، از تولد، ظهور، یاران و... او سخن گفته شده است.

از نگاه زرتشتیان، موعود مزدیسنا «سوشیانس» (به معنای رهاننده) نامیده میشود.

در کتاب معروف زرتشتیان «جاماسب نامه» از زرتشت نقل می شود که «از فرزندان دختر پیغمبر که «خورشید جهان» و شاه زمان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد.»

نیز آمده: «سوشیانس» دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند.»

در مورد خصوصیات یاران سوشیانس آمده: «نیک اندیش، نیک گفتار، نیک کردار، هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند؛ قول خود را نمی شکنند و عفریت خشم از آنان می گریزد.»

اندیشه منجی در آیین هندو و با شخصیت کلکی یا کلکین یا ((آواتارا)) شکل می گیرد.

در کتاب دید هندویان آمده است: «پس از خرابی دنیا (هرج و مرج شدنش) پادشاهی در

آخرالزمان ظاهر می شود که پیشوای خلاق شود و نامش منصور باشد و تمام عالم را بگیرد.

^۱ - کارشناسی ارشد در مهدویت و اتمام سطح ۴ در فقه و معارف جامعه المصطفی (ص) العالمیه- saifi۵۱۲@gmail.com

در کتاب پاتکیل از اعظام هندوان منجی آخرالزمان را از نسل کشن (به لغت هندی نام پیامبر اسلام(ص)) و وصی او پشن (نام هندی علی بن ابی طالب (ع)) است.

در آئین بودائی مساله انتظار مطرح است و شخصیت مورد انتظار در این آئین "بودای پنجم" می باشد. وبا مفهوم میتیریه تبیین می گردد.

اندیشه انتظار و اعتقاد به موعود و منجی، تا آنجا در میان بودائیان رواج داشته و دارد که در آرزوی به سر آمدن انتظار، بعضی اوقات افرادی را مصداق منجی موعود پنداشته اند.

در کتاب دادانگ بودائیان از قول بودا نقل شده: «آن وقت (بعد از پرشدن عالم از فسق و گناه) دست راستین جانشین ماما ظهور کند خاور و باختر عالم را بگیرد، آدمیان را به راه خوبی ها رهبری کند. او تنها حق و راستی را قبول کند و بسیار کسان را بکشد و خلائق را هدایت کند...».

واژه های کلیدی: اعتقاد، انتظار، زرتشت، هندو، بودا سوشیانت، منجی گرایی، مهدویت.

مقدمه:

همه پیروان ادیان الهی و برخی از پیروان ادیان غیر الهی عقیده دارند که در یک عصر بحرانی جهان که فساد و ظلم بیداد می کند، نجات دهنده بزرگ و منجی و مصلح جهانی ظهور می کند و اوضاع آشفته جهان را اصلاح نموده و عدل را گسترش می دهد.

در این که منجی و مصلح جهانی کیست، دارای چه ویژگی هایی است، نام او چیست و منسوب به کدام ملت و دین است، اختلاف نظر دارند. هر ملتی او را با لقب مخصوص و ویژگی هایی می شناختند و او را از خودشان می دانند. در این مقاله موضوع منجی جهانی را از دیدگاه سه دین هندو و بودا و زرتشت بررسی می کنیم.

۱: دین زرتشت و مسأله منجی:

در آیین مزدیسنا اعتقاد به موعود نهایی و منجی آخرالزمان از عقاید رایج و استوار است و در متون مقدس زرتشتی (اوستا و کتاب روایی پهلوی) افزون بر بشارت و اشارت به ظهور رهاننده عدالت گستر، از تولد، ظهور، یاران و... او سخن گفته شده است. نجات بخشی در آیین زرتشتی، به عنوان

موعود مزدیسنا مطالعه می شود. بیشتر زرتشتیان بر این عقیده اند که مطابق متون مقدس اوستا، فرد یا افرادی در آخرالزمان ظهور می کند و آیین گرفتار در رنج و محنت فراوان مزدیسنا را دوباره احیا خواهد کرد.^۲

پیشینه تاریخی:

اگر تاریخ تولد زرتشت را قرن هفتم پیش از میلاد بدانیم، باید گفت که دین یهود پیش تر موضوع موعود آخرالزمان را وعده داده و اخبار زرتشت پیرامون این مطلب تازه نیست. اما در باب تاریخ و چگونگی تولد زرتشت اختلافات بسیاری وجود دارد و برخی حتی دوران حیات وی را تا یازده هزار سال قبل از میلاد ذکر کرده اند. به این لحاظ، آیین مزدیسنا در طرح مسئله موعود آخرالزمان می تواند بر دین یهود و البته اسلام پیشی گیرد.

سوشیانت:

از نگاه زرتشتیان، موعود مزدیسنا «سوشیانس» نامیده میشود. اینان منتظر سه موعود هستند و میان هر یک از آنها هزار سال فاصله قرار داده شده است. آنان طول جهان را دوازده هزار سال تقسیم کرده اند، که مجموعاً به چهار مقطع سه هزار ساله تقسیم می گردد. در چهارمین دوره سه هزار ساله، دهمین هزاره عهد سلطنت روحانی پیغمبر ایران، «زردتشت»، شمرده می شود. در آغاز هر یک از هزاره یازدهمین و دوازدهمین، دو تن از پسران زردتشت ظهور خواهند نمود. در انجام دوازدهمین هزاره، پسر سوم یعنی «سوشیانس» پدیدار گشته، جهان را نو خواهد نمود، مردگان را برمی انگیزد و قیامت و جهان معنوی خواهد آراست^۳ (به سه پسر زردتشت که در آخرالزمان تولد یابند، «سوشیانس» نام داده اند، گرچه به صورت خاص این اسم برای تعیین آخرین موعود تخصیص یافته است).

^۲: ابراهیم پورداوود، سوشیانس، تهران، انتشارات فروهر، چاپ دوم، ۱۳۷۴، ص ۲؛ علی مصطفوی، سوشیانت یا سیراندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان، تهران، ۱۳۶۱، صص ۹-۱۰.

^۳: مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، تهران، توس، چاپ سوم، ۱۳۸۰، برشش ۱، بند ۹۵، ابراهیم پورداوود، سوشیانس، صص ۷-۲۱.

منجی (های) موعود اوستا، که سوشیانس نام دارد، اغلب به معنای «رهاننده» تعریف شده است.^۴ این واژه در زبان پهلوی به صورت سوشیانت، و سیوسوش آمده و از ریشه «سود» به معنای بهره و منفعت گرفته شده است.

واژه فارسی سود نیز از همین ریشه است.^۵ سوشیانت، صفت به معنای سودمند و سوددان است. این واژه در «گاتها» به دو صورت مفرد و جمع آمده است. زرتشت در گاتها چندین بار خود را در صیغه مفرد، سوشیانت یعنی رهاننده یا نجات دهنده نامیده است. از جمله می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

«کی خواهیم دریافت (فهمید) ای مزدا و ای اشاکه شما نسبت به کسی که در پی تباہ کردن من است، توانا و زبردستید؛ آنچه پاداش نیک نهاد است، باید به خوبی از آن اطلاع یابم؛ از این روی رهاننده (سوشیانت) را آرزوی آن است که از قسمت خویش باخبر باشد.»^۶

این واژه در سه مورد نیز به صورت جمع آمده است، یکی از آنها اینکه: «ای اهورا مزدا! آن راه منش نیک که به من نمودی، همان راه آموزش رهاندگان (سوشیانتها) است.»^۷ از این قطعات به خوبی دریافت می شود که عقیده به موعود آخرالزمان و اینکه کسی خواهد آمد، و جهان را از چنگال اهریمن خواهد رهانید و آدمیان را از یک زندگی بی گزند بهره مند خواهد ساخت، نزد ایرانیان بسیار قدیم و شاید منسوب به خود مؤسس دین مزدیسناست.^۸

آنجا که در قسمتهای دیگر اوستا همانند گاتها، سوشیانت به صیغه جمع آمده، از آنان یاوران دین اراده شده است. به عبارت دیگر، پیشوایان کیش و جانشینان زردتشت و نیکان و پارسایانی که از

^۴ : ابراهیم پورداوود، گاتها، تفسیر و توضیح انجمن زرتشتیان ایران، بمبئی، ۱۹۳۸، ص ۱۰۹.

^۵ : علی-اصغر مصطفوی، ص ۵۳.

^۶ : سروده های زرتشت که به وسیله خود او املا شده است. احمد تفضلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، سخن، ۱۳۷۶، ص ۳۵.

^۷ : سپتمدگات، یسنا ۴۸، قطعه ۹؛ و نیز رک: وهشیتواشت گات، یسنا ۵۳، قطعه ۲؛ سپتمدگات، یسنا ۴۸، قطعه ۶؛ اشتودگات، یسنا ۴۵، قطعه ۱۱.

^۸ : گاتها: یسنا ۳۴، قطعه ۱۳؛ رک. یسنا ۴۶، قطعه ۳؛ یسنا ۴۸، قطعه ۱۲.

^۹ : علی-اصغر مصطفوی، سوشیانت یا سیر اندیشه ایران...، ص ۵۵؛ ابراهیم پورداوود، سوشیانس، ص ۱۰.

آنان سودی آید و مردم را به راه راست راهنمایی کنند و مایه رستگاری باشند و دین مزدیسنا را بیارایند، سوشیانتها نامیده شده اند.^{۱۰}

در مواردی هم سوشیانت به صیغه جمع آمده و مقصود از آن سه موعود مزدیسنا یا سه پسران آینده زرتشت است که سرانجام هر یک ظهور خواهند کرد و بار دیگر آیین زرتشت را تازه می کنند و جهان فرسوده و ویران را آباد، تازه و خرم خواهد ساخت.^{۱۱}

در کتاب «زند» که از کتب مقدس زرتشتیان است، پس از آنکه مقداری پیرامون شیوع فساد در آخرالزمان گفت و گو می نماید و گوشزد می کند که غالباً قوت و شکوه با اهریمنان خواهد بود، می گوید:

«آن گاه از طرف اهورا مزدا به ایزدان یاری می رسد، پیروزی بزرگ از آن ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند... بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده، نبی آدم بر تخت نیک بختی خواهد نشست...»^{۱۲}

«جاماسب» در کتاب معروف خود «جاماسب نامه» از زرتشت نقل می کند که «از فرزندان دختر پیغمبر که «خورشید جهان» و شاه زمان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان که جانشین آخر آن پیغمبر باشد.»^{۱۳}

همچنین در جای دیگر این کتاب می خوانیم که: «مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم مردی بزرگ رو، بزرگ تن و بزرگ ساق، و بر دین جد خویش باشد، با سپاه بسیار، روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر داد کند.»^{۱۴}

وی در تعالیم خود می افزاید:

^{۱۰}: همان، ص ۵۵.

^{۱۱}: فروردین یشت، قطعه ۱۷؛ زامیادیشست، قطعه ۲۲. اوستا، گزارش جلیل دوستخواه، تهران، مروارید، چاپ چهارم، ۱۳۷۷، دوجلدی.

^{۱۲}: زند بهمن سین، زند، تحقیق محمدتقی راشد محصل، تهران، معاصر، ۱۳۷۰، ص ۱۹.

^{۱۳}: جاماسب-بن لهراسب، جاماسب-نامه، بمبئی، ۱۳۱۳ق، صص ۱۲۱-۱۲۲.

^{۱۴}: همان.

«پیامبر عرب آخرین فرستاده است که از میان کوههای مکه ظاهر شود... از فرزندان پیامبر شخصی در مکه پدیدار خواهد شد که جانشین آن پیامبر است و پیرو دین جد خود می باشد... از عدل او گرگ با میش آب می خورد و همه جهان را به آیین «مهرآزمای» خواهند گروید.»^{۱۵}

البته قسمتی از پیش گوییهای دیگر زردتشت درباره ظهور و علائم آن در «بهمن یشت» آمده است.^{۱۶} در آخرین بخش از کتاب «زندبهمن یسن» که شرح و تفسیر «اوستا» می باشد، از ظهور مصلح جهانی و منتهی شدن حکومت آن حضرت به رستاخیز سخن گفته است: «پس «سوشیانس» آفرینش را دوباره پاک بسازد و رستاخیز و تن پسین باشد.»^{۱۷} و می گوید منظور از سوشیانس در اینجا آخرین نجات بخش دین زرتشتی است.^{۱۸}

هنگامی که گشتاسب در مورد کیفیت ظهور سوشیانس و چگونگی اداره جهان می پرسد، جاماسب حکیم، شاگرد زرتشت توضیح می دهد که: «سوشیانس» دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار گرداند.»^{۱۹}

از جمله مواردی که در اوستا، واژه سوشیانت مفرد آمده و از آن به ویژه واپسین موعود مزدیسنا اراده شده، از این قرار است: یسنا ۲۶ قطعه ۱۰؛ یسنا ۵۹ قطعه ۲۸؛ ویسپرد، کرده ۲، قطعه ۵؛ فروردین یشت، قطعه-های ۱۲۹ و ۱۴۵؛ زامیادیش، قطعه ۸۹؛ گشتاسب-یشت، قطعه ۳۰؛ وندیداد، فرگرد ۱۹، قطعه ۵.

^{۱۵}: همان.

^{۱۶}: «بهمن یشت» که «زند و هومن یسن» نیز نامیده می-شود، شامل یک رشته رویدادهایی است که راجع به آینده ملت و آیین ایران است، که اهورا مزدا وقوع آنها را به زرتشت پیشگویی می-کند. این کتاب توسط صادق هدایت از متن پهلوی به فارسی کنونی ترجمه شده است. صادق هدایت، زند و هومن یسن و کارنامه اردشیر بابکان، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۴۲.

^{۱۷}: زند بهمن یسن، ص ۱۹.

^{۱۸}: همان، ص ۱۵۰.

^{۱۹}: جاماسب نامه، صص ۱۲۱-۱۲۲.

به هر حال تفسیر دقیق-تر سوشیانس را باید از بخشهای دیگر اوستا به دست آورد. در اوستای فعلی، رهانندگان در سه نفر خلاصه شده-اند: ۱. اوخشیت ارته، کسی که قانون مقدس را می-پروراند؛ ۲. اوخشیت نمنگه، کسی که نماز را برپای می دارد؛ ۳. استوت ارته، کسی که همه از یرتو او به زندگی فناپذیر می-رسند. ^{۲۰} البته در کتب روایی پهلوی برای نخستین موعود و دومین و سومین نامهای دیگری ثبت کرده اند. ^{۲۱}

به تصریح اوستا ^{۲۲} زرتشت تجسم نیکی و خیر و کمال، بزرگ ترین سوشیانس است و واپسین نجات بخش نیست، بلکه به تصریح همین بخش، واپسین نجات بخشان، کسانی هستند که جهان را نو کنند و خلاق را پیرنشدنی و نامیرا، جاویدان و بالنده سازند. در آن هنگام مردگان دگر بار برخیزند و بی-مرگی به زندگان روی آورد؛ سوشیانت پدیدار شود و جهان را به خواست خویش نو کند. ^{۲۳}

ابراهیم پورداود از آنچه در این باره گذشت، نتیجه می گیرد که واژه سوشیانس در کاربردهای جمع خود در اوستای نو، شامل زرتشت و حامیان و یاوران و مبلغان و نوسازان و آرایندگان جهان پایانی است. بر اساس این مطلب به این نکته می-رسد که: ویژگی عمده آنان عبارت است از خردمندی، نیکوکاری، سودرسانی به همه موجودات، غلبه بر خصومت دیوها و مردم، و پاک کردن جهان از دروغ، ستایش پروردگار و آراستن معنوی. ^{۲۴}

از توضیحات کتابهای روایی پهلوی پیرامون منجیان سه-گانه آیین مزدیسنا به دست می-آید که نبرد خیر و شر، نیکی و بدی به نوعی تقدیر خود اهورا مزداست و در این میان سه موعود آخرالزمان، سه نقطه اوج و در عین حال سه نقطه عطف دین زرتشتی شمرده می-شوند. آنها طبق خیر و نیکی رفتار می-کنند و در عمل آن را آموزش می دهند. آنها هستند که نماز و تحیات به آستان اهورا مزدا

^{۲۰}: ابراهیم پورداود، سوشیانس، ص ۱۵.

^{۲۱}: رک. علی-صغر مصطفوی، سوشیانت یا سیر اندیشه...، صص ۶۳-۶۴.

^{۲۲}: یسنا ۴۶، قطعه ۳۱.

^{۲۳}: زامیادیش، قطعه-های ۹-۱۱.

^{۲۴}: ابراهیم پورداود، سوشیانس، صص ۱۰-۱۸.

را به جای می آوردند. آنان از دریاچه کیانسیه پا به عرصه زندگی نهاده و ضد اهریمن قیام می کنند، آفرینش او را در هم می-شکنند و مردم را به راه راست می آورند و دین را گسترش می دهند؛ چنان که به آدمیان نیز راستی می بخشند.^{۲۵}

ویژگی یاران سوشیانت:

در متون مزدیسنايي از دو نوع یار برای موعود (های) آخرالزمان نام برده شده است: یارانی که در عصر ظهور زندگی می کنند و یاورانی که در زمانهای سابق رحلت کرده اند، و هنگام ظهور منجی زنده شده، او را یاری خواهند کرد. در متون پهلوی، دسته دوم را «جاودانیها» خوانده و از شماری افراد، یلان و پهلوانان تاریخی در جایگاه یاوران سوشیانس یاد کرده اند. شمار این افراد را پانزده مرد و پانزده زن دانسته و با احتساب زرتشت، از چهارده مرد یاد کرده اند. در حالی که یک مرد و پانزده زن به نام خوانده نشده اند.^{۲۶} این جاودانیها در هزاره سوشیانس پدید آیند و رستاخیز برانگیزانند و جهان جاودانی را بیارایند. به تصریح اوستای نو و متون پهلوی، ابدان گنهکاران و مجرمان همچون منافقان دوباره زنده نخواهد شد؛ اما پرهیزگاران به زمین باز آیند، نه به آن چهره که در گذشته-اند و نه از آن آمیزه که پیش ساخته شدند؛ بلکه موجودات مادی از گل روشن و بدون تاریکی، آب بدون زهر، آتش بدون دود، و باد خوشبوی ساخته شده باشند.^{۲۷}

خصوصیات یاران منجی موعود چنین است:

«نیک اندیش، نیک گفتار، نیک کردار، هرگز سخن دروغ بر زبان نیاورند؛ قول خود را نمی شکنند و عفریت خشم از آنان می گریزد.»^{۲۸} افزون بر این فرشتگان مقرب الهی، هفت امشاسپند نیز در

^{۲۵} : ر.ک. دینکرد، کتاب هفتم، (درس-نامه دین مزدایی)، ترجمه فریدون فضیلت، تهران، فرهنگ دهخدا، چاپ اول، ۱۳۸۱، فصل ۷، قطعات ۴۵-۴۷.

^{۲۶} : ر.ک. بندهش ایرانی، ترجمه مهرداد بهار، تهران، توس، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۲۸؛ اوستا، فروردین-یشت، بندهای ۱۲۰-۱۴۳.

^{۲۷} : ر.ک. دینکرد، کتاب هفتم، ص ۲۱۴.

^{۲۸} : اوستا، زامیادیش، قطعه ۹۵.

جایگاه یاوران سوشیانس مطرح شده اند.^{۲۹}

زرتشتیان معاصر و مسأله منجی:

زرتشتیان در زمان معاصر با خواندن ادعیه و دیگر مراسم عملاً منتظر بودن خود را به اثبات می‌رسانند.

۱. خواندن سه بار دعای «اشم اهورامزدا» که واژه‌های نخستین از بند اول کرده ۱۳ و یسپرد و دیگر اعمال آن، برای ظهور سه موعود مزدیناست و چنان‌چه این دعا به خوبی و درستی خوانده شود، ایشان زودتر به جهان می‌آیند و دنیا را آبادتر و امن‌تر می‌کنند.^{۳۰}
۲. «بهترین مردمان در ایام سخت پیش از ظهور کسی است که علی‌رغم کمرنگ‌شدن و اضمحلال دین و دینداری هنوز کشتی نشان و کمر بند مخصوص آیین زرتشتی را در میان بسته باشد و به این آیین وفادار بماند و به خواندن دعاها و مبادرت ورزد تا ظهور موعودها زودتر فرا رسد.»^{۳۱}

۲: هندویسم و مسأله منجی:

آیین هندویی در حدود ۱۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح بنیاد نهاده شده است که یکی از پر طرفدارترین دین‌های جهان است در دین هندویی فرقه‌های متعددی وجود دارند از جمله: دو فرقه اصلی خدایانی چون ((ویشنو)) خدای خالق و ((شیوا)) خدای منهدم‌کننده را می‌پرستند و حداقل ۵۹ فرقه فرعی نیز نوعی خدای شخصی را ستایش می‌کنند و بت پرستی در سرتاسر هند به اشکال مختلف وجود دارد.

اندیشه منجی در آیین هند و با شخصیت کلکی یا کلکین شکل می‌گیرد. بنابر فکر هندویی، جهان از چهار دوره رو به انحطاط تشکیل می‌شود. در چهارمین دوره یعنی عصر کنونی، سراسر جهان را ظلم و تاریکی فرامی‌گیرد، ناشایستگان بر جان و مال مردم مسلط می‌شوند، دروغ و دزدی و

^{۲۹}: اوستا، هفتن یشت کوچک، قطعه ۱۲.

^{۳۰}: مهدویت در اسلام زرتشت، علیرضا ابراهیم، ص ۱۱۳.

^{۳۱}: همان ص ۱۱۷.

رشوه سایه سیاه خویش را بر دنیا می‌گستراند. در این عصر که بنا بر باورهای هندوی، ما اکنون در آن به سر می‌بریم، فقط به یک چهارم درمه (نظم کیهانی یا دین) عمل می‌شود و سه چهارم آن به دست فراموشی سپرده می‌شود. در پایان چنین دوران سیاهی، دهمین و آخرین تنزل (اوتاره) ویشنو^{۳۲} که کلکی یا کلین نام دارد، سوار بر اسبی سفید و با شمشیری آخته و شهاب‌گون ظهور می‌کند تا شرارت و ظلم را ریشه‌کن کند و عدالت و فضیلت را برقرار سازد.^{۳۳}

منجی در متون مقدس هندویان:

هندویان بر اساس کتب مقدسشان منتظر منجی هستند و کتاب‌های آنان اسم منجی آخرالزمان را برده و از قیام ایشان بشارت داده است^{۳۴} که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود.

۱. در کتاب دید که نزد هندویان کتب آسمانی است آمده: «پس از خرابی دنیا (هرج و مرج شدنش) پادشاهی در آخرالزمان ظاهر می‌شود که پیشوای خلاق شود و نامش منصور^{۳۵} باشد و تمام عالم را بگیرد و تمام اشخاص را از مؤمن و کافر بشناسد.»^{۳۶}
۲. شاکموتی پیامبر هندوها در کتاب خود نسب یحیی را به سیر خلاق می‌رساند و چنین بیان می‌دارد: «پادشاهی دنیا به فرزند سیر خلاق دو جهان کشن^{۳۷} بزرگوار تمام می‌شود. او کسی است که بر کوه‌های مشرق و مغرب دنیا حکم براند و بر ابرهایی سوار شود و فرشتگان کارکنان او باشند و جن و انس در خدمت او شوند و از سودان که زیر خط استوا است تا ارض تسعین که زیر قطب شمال است و ماورای بحار را صاحب شود و دین خدا یک دین شود و دین خدا زنده گردد

^{۳۲} : در آیین هندو سه خدا وجود دارد، برهما، شینوا و شیوا، «برهما» همان خدای پدر یا خدایی است که جسم نیست و غیرمتناهی است و ازلی و ابدی می‌باشد. «ویشنو» خدایی است که خالق موجودات است و «شیوا» خدای میراننده موجودات و آورنده سیل و خشک‌کننده درختان است.

^{۳۳} : مجله هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳، مقاله گونه‌شناسی موعود در ایان مختلف، ص ۱۱۶.

^{۳۴} : معارف مهدوی، ص ۳۳ و ۳۴.

^{۳۵} : . منصور یکی از القاب و اسامی حضرت ولی‌عصر است که در دعای ندبه نیز آمده است «این المنصور علی من اعتدی»

^{۳۶} : بشارت عهدین ص ۲۴۵

^{۳۷} : کشن به لغت هندی نام پیامبر است.

و نام او قائم است و خدا شناس باشد».^{۳۸}

۳. در کتاب پاتکیل از اعظم هندوان که در نزد آنان صاحب کتاب آسمانی است، راجع به منجی آخرالزمان بشارت داده که: «او از نسل پیامبر اسلام و وصی او علی بن ابیطالب است که نام وی راهنما می باشد که چون مدت روز تمام شود، دنیای کهنه نو شود و زنده گردد و صاحب ملک تازه پیدا شود از فرزندان دو پیشوای جهان یکی ناموس آخرالزمان».^{۳۹} «و دیگری صدیق اکبر یعنی وصی بزرگ تر وی که پشن^{۴۰} نام دارد و نام آن صاحب ملک تازه راهنما است^{۴۱} به حق پادشاه شود و خلیفه رام^{۴۲} باشد و حکم براند و او را معجزه بسیار باشد. هرکه پناه به او برد و دین پدران او اختیار کند سرخ روی باشد در نزد رام و دولت او بسیار کشیده شود و عمر او از فرزندان ناموس اکبر زیاد باشد و آخر دنیا به او تمام شود...».^{۴۳}

۴. در «اوپانیشاد» مطرح شده است: «مظهر ویشنو (مظهر دهم) درانقضای کلی یا عصر آهن سواربراسب سفید ظاهر می شود در حالی که شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد و شیران را تماما هلاک می سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.»^{۴۴}

۵. در کتاب باسک که از کتاب های آسمانی هندویان به شمار می رود . آمده است : «دور دنیا به پادشاه عادل در آخرالزمان تمام شود که پیشوای ملائکه و پریان و آدمیان باشد حق و راستی با او همراه است و آنچه در دریاها زمین ها و کوه ها پنهان شده باشد همه را به دست می آورد و

^{۳۸} : مصلح جهانی، سیدهادی خسروشاهی، ص ۶۰

^{۳۹} : ناموس آخرالزمان یعنی حضرت محمد(ص).

^{۴۰} : پشن نام هندی علی بن ابی طالب (ع) است.

^{۴۱} : راهنما نام حضرت مهدی و نامش نیز هادی و مهدی و قائم بالحق است.

^{۴۲} : رام به لغت سانسکریتی نام خداست.

^{۴۳} : رک: ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۲۰.

^{۴۴} : کتاب اوپانیشاد ص ۷۳۷

از آسمان ها و زمین آنچه باشد خبر دهد و از او کسی بزرگتر به دنیا نیاید».^{۴۵}

بنابراین روشن است که اعتقاد به آمدن یک منجی و مصلح جهان عقیده‌ای قطعی در نزد هندوهاست و این اعتقاد به طور وسیع و گسترده‌ای در میان آنان رواج دارد؛ چنان که در بسیاری از کتاب‌های مقدسشان به ان بشارت داده‌اند.

۳: بودیسم و مسأله منجی:

آیین بودا یکی از شاخه‌های کیش هندوست که از هندوستان بیرون آمده و سراسر مناطق خاوری را درنوردیده است و به علت گسترش در مناطق پرجمعیت جهان، پیروان زیادی دارد.^{۴۶} آئین بودایی ۲۱۱ سال پیش از میلاد حضرت مسیح(ع) توسط (گوتاما بودا) بوجود آمد. آئین بودا مذهبی فاقد خداوند است. گوتاما بودا متفکری بود که یک سلسله نظریات فلسفی و عرفانی رایج ریزی کرد از جمله: بودا به پیروان خود تعلیم داد که فلاح و نجات آدمی در دست خود اوست و روح انسانی با تلاش خویش می تواند به مرحله کمال برسد و یگانه راه نجات تسلط بر هوای نفس است. آیین بودا آیینی است که بعزت پرطرفدار بودن. قدرت بین المللی به خود گرفته است ولی همواره با این امر که تفکر بودائی به عنوان یک دین شناخته شود مخالف شده. اگر چه آئین بودائی از نظر پیروانش یک مذهب از مذاهب پر شمار می آید که صدها میلیون پیرو دارد. کتاب بودائیان (پی تاکس) و (داماپادا) می باشد. در آئین بودائی مسأله انتظار مطرح است و شخصیت مورد انتظار در این آئین. بودای پنجم می باشد.^{۴۷} و با مفهوم میتیریه تبیین می گردد.

میتیریه:

میتیرویه^{۴۸} در الهیات بودایی او را بودای پنجم و آخرین بودا از بودائیان زمین می دانند که هنوز

^{۴۵}: کتاب باسک ص ۱۹

^{۴۶}: پیروان این آیین در کشورهای چین، کره و ژاپن، مغولستان، تبت، هند و چین، تایلند، یاسیام و برمه زندگی می کنند (رک: خلاصه ادیان،

محمدجواد مشکور، ص ۷۰)

^{۴۷}: بشارت عهدین ص ۲۴۵

^{۴۸}: واژه میتیرویه در زبان سانسکریت به معنای «مهربان» است.

نیامده است، اما خواهد آمد تا همگان را نجات دهد. او را در نمادنگاری بودایی به هیبت مردی در وضعیت نشسته آماده برخاستن نمایش می‌دهند تا نمادی از آمادگی وی برای قیام باشد.^{۴۹}

اندیشه انتظار و اعتقاد به موعود، تا آنجا در میان بودائیان رواج داشته و دارد که در آرزوی به سر آمدن انتظار، بعضی اوقات افرادی را مصداق منجی موعود پنداشته‌اند؛ به‌عنوان نمونه در شمال برمه مردم عقیده دارند بودا از رهبران دینی معاصر پادشاه جهان و همان بودای آینده، یعنی میتیره بوده است و یا در میان بودائیان آسیا فراوان پیش آمده که رهبران آینده، یعنی میتیره بوده است و یا در میان بودائیان آسیا فراوان پیش آمده که رهبران و پایه‌گذاران جریان‌های دینی اجتماعی را، همان میتیره می‌انگاشته‌اند.^{۵۰}

جالب توجه است که بودائیان نیز براساس بعضی از کتاب‌های مقدسشان، مانند مسلمانان منتظر ظهور شخصیتی هستند که از نسل پیامبر اکرم است؛ چنان که بودائیان در کتاب دادانگ از قول بودا نقل می‌کنند که او گفته: «آن وقت (بعد از پرشدن عالم از فسق و گناه) دست راستین جانشین ماما ظهور کند خاور و باختر عالم را بگیرد، آدمیان را به راه خوبی‌ها رهبری کند. او تنها حق و راستی را قبول کند و بسیار کسان را بکشد و خلائق را هدایت کند...».^{۵۱}

روشن است که موعودگرایی و عقیده منجی آخرالزمان در میان بودائیان عقیده‌ای اصیل و قطعی است، علاوه بر اینکه با اثبات قطعی بودن عقیده به ظهور منجی، مسأله انتظار و منتظر بودن آنان نیز ثابت می‌شود؛ زیرا انتظار از آثار و نتایج عقیده به ظهور منجی است که در آیین هندو روشن گردید.^{۵۲}

نتیجه‌گیری:

^{۴۹}: مجله هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳، مقاله گونه‌شناسی موعود در ادیان مختلف، ص ۱۱۷-۱۱۸.

^{۵۰}: همان، ص ۱۱۹.

^{۵۱}: ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۲۲.

^{۵۲}: رک. معارف مهدوی، ص ۳۷.

بنابراین روشن می‌شود که در دین هندو و بودا و زرتشت، از منجی که در آخرالزمان ظهور خواهد نمود و به جنایت‌ها و خیانت‌های ضدانسانی پایان خواهد داد و شالوده حکومت واحد جهانی را براساس عدالت و آزادی واقعی بنیان خواهد نهاد سخن به میان آمده است و تمام متون مقدس آنها در این زمینه به مردم باایمان دین خود، نویدهایی داده‌اند، هرچند در مورد نام آن منجی و موعود و ویژگی‌های او و علائم ظهور او، تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند.

فهرست منابع:

متون مقدس:

- ۱- اشتودگات، یسنا ۴۵.
- ۲- جاماسب نامه، نشر بمبئی، ۱۳۱۳ ق.
- ۳- سپنتمدگات، یسنا ۴۸.
- ۴- کتاب اوپانیشاد
- ۵- کتاب باسک
- ۶- گاتها، یسنا ۳۴، یسنا ۴۶، یسنا ۴۸.
- ۷- هشتیتواشت گات، یسنا ۵۳.

کتابها:

- ۱- ابراهیم پورداوود، سوشیانس، تهران، انتشارات فروهر، چاپ دوم، ۱۳۷۴.
- ۲- ابراهیم پورداوود، گاتها، تفسیر و توضیح انجمن زرتشتیان ایران، بمبئی، ۱۹۳۸.
- ۳- احمد تفضلی، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، سخن، ۱۳۷۶.
- ۴- بندهش ایرانی، ترجمه مهرداد بهار، تهران، توس، ۱۳۶۹ ش.
- ۵- جلیل دوستخواه، گزارش اوستا، تهران، مروارید، چاپ چهارم، ۱۳۷۷، دوجلدی.
- ۶- دینکرد، کتاب هفتم، (درس نامه دین مزدایی)، ترجمه فریدون فضیلت، تهران،
- ۷- زند بهمن سین، زند، تحقیق محمدتقی راشد محصل، تهران، معاصر، ۱۳۷۰، ص ۱۹.

۸-صادق هدایت، زند و هومن یسن و کارنامه اردشیر بابکان، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۴۲.

۹-صادقی تهرانی، بشارت عهدین ص ۲۴۵، نشر ۱۳۳۶.

۱۰-علی اصغر مصطفوی، سوشیانت یا سیراندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان، تهران،

۱۳۶۱.

۱۱-علیرضا ابراهیم، مهدویت در اسلام زرتشت، محل نشر تهران، سال ۱۳۸۱

۱۲-فرهنگِ دهخدا، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۳-محمد بهشتی، ادیان و مهدویت، محل چاپ تهران، سال چاپ ۱۳۶۱

۱۴-محمدجواد مشکور، خلاصه ادیان، انتشارات شرق، سال نشر ۱۳۷۷

۱۵-معارف مهدوی، مرکز مطالعات و پژوهشهای فرهنگی حوزه علمیه قم، نشر ۱۳۸۵

۱۶-مینوی خرد، ترجمه احمد تفضلی، تهران، توس، چاپ سوم، ۱۳۸۰.

۱۷-هادی خسروشاهی، مصلح جهانی، ناشر کتاب اطلاعات، محل نشر تهران

مجلات:

۱-مجله طلوع تابستان ۱۳۸۶، شماره ۲۲ منجی گرایی در ادیان(زرتشت، یهود، مسیحیت)

۲-مجله هفت آسمان، ش ۱۲ و ۱۳، مقاله گونه‌شناسی موعود در ایان مختلف.